

دوره ششم تصنیفیه

مذاکرات مجلس

شماره
۲۳۸

جلسه
۲۷۳

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنج شنبه ۱۸

امرداد ماه ۱۳۰۷

مطابق ۲۲ صفر

۱۳۴۷

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ايران ساليانه ده تومان

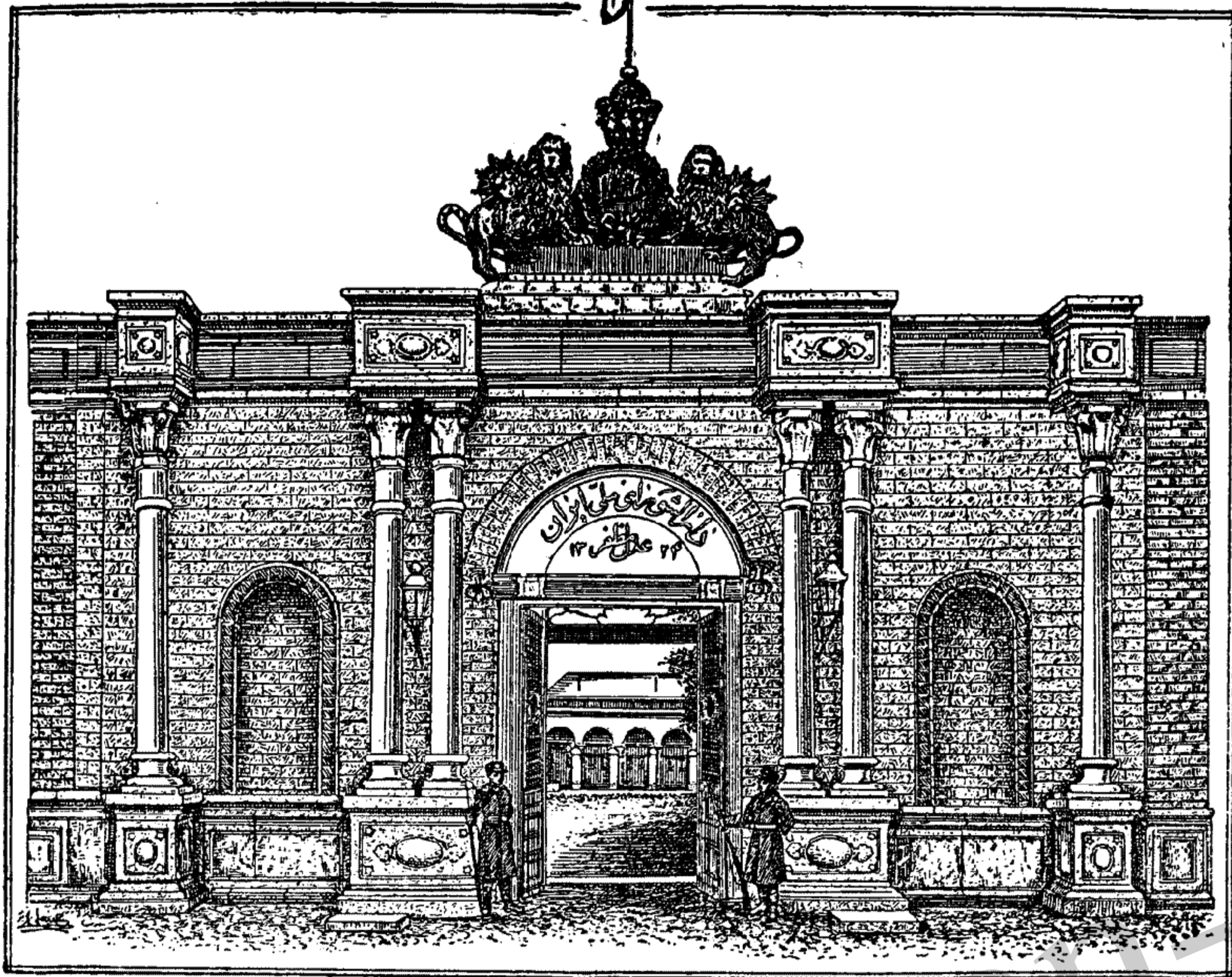
خارجه « دوازده تومان

قیمه تك شماره

يك قران

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان روجردی - دکتر طاهری - امیر تیمور	۴۹۴۸	
۲	قیه مذاکرات نسبت بخر کمیسیون داخله راجع بقانون سجل احوال از ماده ۸	۴۹۵۱	۴۹۶۵



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۲ صفر ۱۳۴۷

جلسه ۲۷۳

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر
بریاست آقای بیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم چهارشنبه هفدهم
مرداد را آقای دولتشاهی قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : جلائی - امام جمعه شیراز - دکتر طاهری
سید ابراهیم ضیاء - میر نماز - محمد آخوند - نجومی
مقدم - نوبخت - میرزا عبدالله خان وثوق - آقا میرزا

هاشم آشتیانی - حاج شیخ بیات - طباطبائی و کبلی - میرزا حسنخان و ثوق - حاج آقا حسین زنجانی
 غائبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان : اسدی - ذوالقدر - علیخان اعظمی - آقا علی زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام شیرازی - مهدوی امیر تیمور کلالی - محمد تقیخان اسعد - افسر - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - حاج حسن آقا ملک - لیقوانی - اسکندری - محمد ولی میرزامسعود سلطانمحمد خان عامری - حاج غلامحسین ملک - زعیب ابراهیمی

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : ایلخان - دهستانی - عصر انقلاب

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : حاج میرزا حبیب الله امین - افخمی

رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه ؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد چند فقره خبر کمیسیون

عرایض و مرخصی است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

خبر مرخصی آقای ثقه الاسلام

نماینده محترم آقای ثقه الاسلام بروجردی بواسطه عارضه کسالت از تاریخ اول تیر ماه الی ۲۲ مرداد اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون با نظریه و تقاضای ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم مجلس مقدس میباشد

رئیس - رأی میگیریم بمفاد این خبر آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای دکتر طاهری

نماینده محترم آقای طاهری برای کار فوننی خانوادگی اجازه ده روز مرخصی از تاریخ ۲۹ اردی بهشت نموده اند کمیسیون موافق خبر آرا تقدیم میباشد

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه با این خبر موافقت

و بد عملیهای مامورین که از نقطه نظر نبودن این حق بکلی بدون مجازات میباشد این حق تجدید نظر را تقاضا میکنم و مخصوصاً تقاضا میکنم که آقایان با فوریت این لایحه موافقت فرمایند و چون خیلی جزئی و مختصر است و چندین ماه هم در کمیسیون استخدام معطل بوده است همراهی فرمایند امروز بگذرد . يك فقره لایحه است راجع به اعتبارات مربوطه به پست و تلگراف اینجا بنده مجبورم يك اقراری بکنم و آن اقرار این است که امسال ما خواستیم اسلوب و وضعیتی را که چند سال داشتیم بهم برنیم و يك طرز نوی ایجاد کنیم در موضوع اعتبارات مخارج ادارات دولتی بنده خودم یکی از اشخاص بودم که خیلی طرفدار این فکر بودم برای اینکه از آن ترتیبی که در این دو سه سال مجری بود و زحمانی که در ادارات تولید میکرد و همه شکایت میکردند و خود بنده هم میدیدم و تصدیق میکردم جلو گیری شود وقتی که در کمیسیون بودجه این مسئله مطرح شد بعضی از اعضاء کمیسیون با این عقیده خیلی مخالف بودند و مخالفت کردند و بنده مدافعات شدید کردم و در ضمن به آقایان عرض کردم که این يك امتحانی است و اگر این امتحان خوب نشد اصلاً حش خیلی آسان است برای اینکه این قضیه چه بجائی باشد چه نباشد يك چیزی است که هم در دخل و هم در خرج مملکت به نسیای داخل میشود و هیچ ضرری به بودجه عمومی وارد نمیشود يك رقمی است که در جمع میبرند بعنوان عوائد پست و تلگراف و در خرج هم مساوی همان مبلغ به ادارات و وزارتخانهها اعتبار داده میشود . ما دو ماه سه ماه رقتیم این را تجربه کردیم و آزمایش کردیم و از نتیجه راضی نیستیم علتش این است که کنترل کردن این کار برای اینکه زیاد روی در مخارجات نکنند خیلی مشکل است و هر روز يك کشمکش هائی بین وزارتخانه ها و پست و تلگراف است مثلاً ما می بینیم از وقتی که مخارجات را مجانی کردیم تمام حکام و ولات همه مطالبشات را مجانی تلگراف میکنند . اعتراض میکنیم . البته والی

يك ابالتی است . نمیرود زیر این بار که تلگرافچی جلوی تلگراف او را بگیرد میگوید کار های ابالتی و مملکتی معوق میباشد و سلب مسؤلیت از خودش میکند . وزارت داخله هم میگوید تشخیص مطالب مشکل است و بالاخره نتیجه این میشود که از یکطرف ادارات دولتی مسائل بهبودی که لازم نیست اینها را تلگراف میکنند و چون تلگرافچی ها هم مجبورند که بعد از مسائل فوری مسائل دولتی را مخایره کنند مخارجات مردم و تجارتنی عقب میباشد و باینواسطه هم از عوائد تلگرافخانه کسر میشود و هم برردمی که مخاره تجارتنی دارند صدمه میخورد . به این ملاحظه بنده در این لایحه که تقدیم میکنم تقاضا کرده ام که برگردیم به آن صورت اولی یعنی يك مبلغی اعتبار مقرر شود که این اعتبار هم در جمع بودجه ۱۳۰۷ علاوه شود و هم در خرج علاوه شود و تقسیم این اعتبار را هم بوزارتخانه ها بنظر هیئت وزراء واگذار کردیم که بمقتضای احتیاجاتی که دارند تقسیم کنند در هر حال این از نقطه نظر بودجه مملکتی هیچ کم و کسری و اضافه تولید نمیکند ولی از نقطه نظر عمل برای ادارات ما مفید است این را هم تقاضای فوریت میکنم آقای وزیر عدلیه چون کسالت دارند خودشان توانستند تشرف حاصل کنند يك لایحه داشتند و خواهش کردند که این لایحه را بنده تقدیم کنم مربوط به يك اعتباری است که باز سال داشته اند و خرج نکرده اند حالاً آن مازادش را میخواهند اجازه بهشان داده شود که هنوز استفاده کنند این را هم تقدیم میکنم اینها را که تقاضای فوریت کردم مؤخر قانون سبیل احوال مطرح شود

رئیس - پیشنهاد آقای استرآبادی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که طرح قانونی واجمع به الغاء مالیات اغنام و احشام در درجه اول جزء دستور شود استرآبادی - مقرر در مجلس عرض شده است قوانینی که از مجلس میگذرد چون در تحت نظر

هفتاد نفر هشتاد نفر کمتر یا بیشتر میگذرد نقص کمزدراد و آنچه که اسباب زحمت مردم و شکایت مردم میشود از طرز اجرای قانون است نه نقص قانون و غالباً هم دیده میشود که نقص در طرز اجراء و قانونیکه از نظر يك جمعی میگذرد کمتر نواقص پیدا میکنند و اگر هم اتفاقاً يك قانونی يك نقصی پیدا کند بمحض اینکه دولت و مجلس ملتفت شد و به نقص قانون پی برد فوراً آن قانون را یا نسخ میکنند یا اصلاح میکنند مثل اینکه قانون نمک يك نواقصی داشت دولت نسخ کرد از جمله قوانینی که بعقیده بنده يك مقداری ناقص بوده و دولت هم کاملاً توجه به آن پیدا کرده است قانون میزبی است قانون میزبی يك مقداری نواقص داشت و بهمین علت هم دولت پیشنهاد اصلاح قانون میزبی را کرد اگر نقص نداشت پیشنهاد اصلاح میکرد بزرگتر نقص قانون میزبی بعقیده بنده و جمعی از آقایان مسئله مالیات اغنام و احشام است کسانی که با اهالی کوهپایه ارتباط دارند و از حال آنها مسبوقند میدانند که این مالیات اغنام و احشام چه مالیات کمر شکنی است مثلاً شاه کوه که یکی از محلات استرآباد است بعضی از آقایان هم مطمئنند که فقط زندگانی آنها با گوسفند اداره میشود از وقتی که این مالیات اغنام و احشام برقرار شده است اهالی شاه کوه تمام از بین رفته اند و چون اصلاح قانون میزبی از طرف دولت بمجلس آمد و مورد اختلاف آقایان واقع شد (و شاید هم بموقع بود) تصور میکنم در این چند روزه با این توجه به قوانین لازمه ماموفق نشویم که قانون میزبی را اصلاح کنیم بنا بر این بنده يك طرحی با جمعی از آقایان پیشنهاد کرده ام باقید دوفوریت و اگر آقایان موافقت بفرمایند شاید در حدود هفت هشت دقیقه بیشتر وقت مجلس را اشغال نکند و بنده يك یادداشتی هم خدمت آقای وزیر عرض کردم ایشان هم اظهار موافقت کردند با عرض بنده . . .

وزیر مالیه - بنده که همچو عرضی نکردم

استرآبادی - الا اینکه فرمودند بعد از اصلاح قانون

سجل احوال در هر صورت این چیزی است که خودشان هم موافقت کرده اند بنده تقاضا میکنم این طرحی را که جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند باقید دوفوریت مطرح شود و برای کفاره گناهان شخصی بنده هم که باشد تصور میکنم که این يك خدمتی است که بکمشت رعایای بد بخت را از این زحمتی که دچارند نجات میدهد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - گرچه نماینده محترم بقدری از محسنات این طرح فرمودند که اگر بنده بخوام یکی یکی جواب عرض کنم جلسه امروز تمام شده مگر اینکه اجلاً عراضی بکنم البته آقا تصدیق دارند به اینکه طرح قانونی دوجور ممکن است در مجلس مطرح شود و آن این است که اولاً دولت هم با ما مشورت کرده باشد و با نظریه دولت این طرح تهیه شده باشد يك قسمت هم این است که خود ما این طرح را بدهیم و دولت هم با ما مشورتی نکرده باشد و مسبق نباشد بنده خیال میکنم که این قضیه تطبیق با مورد نانی کند که بادولت مشورت نشده باشد علی ای حال چه بادولت مشورت شده باشد چه نشده باشد نماینده محترم ملاحظه میفرمایند که ما گرفتار این قانون سجل احوال شده ایم و ایشان خبر ندارند که چه ایستلانی از برای این قانون ما پیدا کرده ایم خوب است آقا هم موافقت بفرمایند و عوض اینکه اغنام و احشام را ملاحظه میکنند انسان ها را ملاحظه کنند که الان چه حالی دارند البته بعد از اینکه این قانون گذشت اگر بحالی بود بنده هم با آقا موافقم که آن طرح جزء دستور شود

رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای استرآبادی موافقتند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. ماده راجع بروضه خوانی مطرح است

(پیشنهاد جلسه گذشته آقای کارزونی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مبلغ یکهزار تومان مخارج روضه خوانی از صرفه جوئیهای مملکت پرداخت شود و وزارت مالیه مکلف به پرداخت مبلغ مذکور است

رئیس - این پیشنهاد دبروز قابل توجه شد ولی دبروز نمیتوانستیم رأی بدهیم امروز باید رأی بگیریم

روحی - باید برود بکمسیون حسابات .
رئیس - مخالفی ندارد ؟ چون مطابق نظامنامه است بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده هشتم از لایحه سجل احوال مطرح است (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هویت تصحیح نماید و همچنین اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر اوراق صادره دارند میتوانند در ظرف دو سال فوق به اداره سجل احوال رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره مذکوره اگر اعتراض را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد نمود

تبصره - اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر تجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هویت جدید بمحاکم صالحه مراجعه نمایند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اگر چه بواسطه اینکه يك جلسه گذشته است رشته مذاکرات تا اندازه قطع شده و یادداشتی را که بنده در جواب آقای وزیر مالیه تهیه کرده بودم نمیدانم چه کرده ام ولی بطور کلی همانطور که خودشان فرمودند ام الملواد اصلاح قانون سجل احوال همین ماده هشتم است اگر خوبست اصلاح قانون سجل احوال مادر همین ماده است اگر بداست در همین جا است فقط اختلاف نظر بین ما و دولت این است که این اصلاح از نظر مملکت

و از نظر مردم و از نظر دولت مضر است. عقیده دولت قبل از اینکه تجربه و امتحان هم کرده باشند این است که مفید است حالا استدلال ما روی این باید باشد که این اصلاح حتی برای دولت هم مضر است یا اینکه مفید است در این جا فرمودند که نظر اصلی البته قسمت سن و قسمت اصلاحی است که مربوط به قانون نظام وظیفه است ولی دولت در نظر دارد که تمام اوراق خراب اصلاح شود و استدلال در مقابل ان پیشنهادی که تهیه میشود بود این بود که نظر اصلی این است که تمام اوراق خراب شده اصلاح شود و طریقی هم این ماده را قرارداد بودند که بعد از اینکه ما از آقای وزیر محترم مالیه سؤال کنیم که این خرابی را کی تهیه کرده که ما بوسیله این ماده میخواهیم اصلاح کنیم بالاخره مصدر خرابی این سجل احوال کیست ؟ شاید تصدیق کنند که هیچیک از افراد اهالی مملکت جز در قسمت سن که خودشان فرمودند هیچکدام راضی نیستند که اوراق غلط در دستشان باشد پس اگر در سایر قسمتهای اوراق سجل احوال هم يك خرابیهائی هست از دو نقطه نظر است یا عدم لیاقت مأموری است که متصدی بوده است یا عدم اطلاع و عدم علم و عدم بصیرت یا فساد اخلاق او است بکسی از این دو دلیل سبب شده است که تمام قسمتهای اوراق سجل احوال خراب شده است. حالا ما میخواهیم بدست همای مأمور با يك اختیار فوق العاده وسیع تری این خرابی را اصلاح کنیم این بعقیده بنده نقض غرض است و عوض اینکه اصلاح کنیم خراب ترش میکنیم چرا ؟ برای اینکه همان مأموریکه این اوراق را خراب کرده يك اختیار بیشتری باو میدهیم که این را خراب تر کند اساساً این جزء عقاید اصلی بنده است که بدترین قوانین را که در دنیا نوشته شده باشد اگر بدست مجری صالح با وسائل اجرائیه صحیح بدهند خوب اجرا می شود. و بهترین قوانین را اگر بمجری غیر صالح بدهیم غلط میشود. این يك چیزی است روشن. مثل دو دونا

چهار تا. که اگر هر روز هم يك قانونی را اصلاح کنیم ولی مجری قانون لیاقت نداشته باشد صلاحیت اجرا را نداشته باشد خرابش میکند. پس اگر هزار مرتبه این قانون سجل احوال را شما بیاورید در مجلس و اصلاحش کنید و دو مرتبه ببرد تا این تشکیلات و باین مأمورین اجرا که لایز هستند محل است اصلاح شود شما خیال میکنید که با تغییر يك رئیس اداره که سابق فلان شخص بوده و حالا يك شخص دیگری بجایش میگذازید تمام کارها اصلاح میشود؟ خیر اینطور نیست این فکر اصلاً غلط است شما اساس کاربان خراب است طرز تشکیلاتتان خراب است. مأمورینی هم که بولایات فرستاده اید آنها هم خراب هستند رئیس سجل احوال هم هر قدر خوب کار کند باز اندازه که مریض نبود همینطور که بواسطه شدت کار مریض و ناخوش شده فایده ندارد. تا بیرون آید با بچگان را درست کند بلوچستان از دستش بیرون آید اساسش را درست کنید ما از روز اول گفتیم که يك مملکت به این عرض و طول را در آن واحد نمیتوانید این تشکیلات را اجرا کنید وقتی که شما تشکیلات ندارید. اسباب و وسیله ندارید. از يك گوشه مملکت شروع بکنید. همینطور که الان در شهرها این کار را میکنند. الان رئیس سجل احوال هم این را فهمیده است که اگر بخواهند بکمربته در يك ایاتی شروع به این کار بکنند تأقیات هم موفق نمیشوند ولی بیرون در يك بلوکی بترتیب سجل احوال آنجا را خانه بدهند بعد بیرون در يك بلوک دیگر و مشغول شوند در اینصورت این مملکت يك روزی سجل احوال پیدا میکند و شاید بفاصله يكسال میتواند انجام کنید و از آنطرف میبایستی در تمام مملکت این مأمورین زیر اشلی که ده دوازده تومان حقوق دارند برزید دور چند نفر اشخاصی که واقعا بشود از وجودشان استفاده کرد و واقعا بشود اطمینان کرد و بشود جان و مال و حیثیت این مملکت را در دستشان داد اینها را مسؤل اجرای این قانون قرار بدهید آنوقت

چنانچه عرض کردم هر قدر قانون بد نوشته شده باشد وقتی مأمورین اجرا خوب شدند قانون خوب اجرا خواهد شد ولی حالا شما آمده اید و يك قانونی را بعقیده خودتان اصلاح کرده اید و خوب هم اصلاح کرده اید حالا میدهید بدست همین مأمورینی که این قانون را به این وضعیت انداخته اند من نمیدانم چه جور حرف را باید حالی کرد که آقا همین مأمورین این قانون را خراب کردند باز هم میدهید بدستان خراب زکنند در يك مملکتی که خودتان تصدیق دارید که عادت به تحمل سنگینی قانون ندارند اول بایستی وسائل اجرائیه را درست کنید درست است مردم این مملکت بردارند ولی روی هم رفته به سنگینی قانون عادت نکرده اند و این قانون بخصوص را هم خود مردم باید نسبت بخودشان اجرا کنند ولی ایرانی عادت کرده است که بروند او را بکشند و در مقابل قانون بیاورند. این بد بختی است ولی این قانون يك قانونی است که بایستی خود مردم بیرون در مقابل وظیفه خود را اجرا کنند با این ترتیب يك سنگینی فوق العاده هم شما باین قانون اضافه کرده اید و بالاخره نتیجه معکوس خواهید گرفت و موفق با اجرای این قانون نخواهید شد همیشه باید در نظر گرفت و قانون را يك طوری (بقول اروپائیدها سولیس و قابل تحمل) وضع کرد که هم بتدریج برقرار شود و هم مردم طاقت تحمل آن را داشته باشند و بعبارة اخری هم مقصود دولت عمل بیاید و هم مقصود مردم. الان مدتی است در اطراف قانون سجل احوال صحبت میشود و اصلاحش را لازم میدانید. بالاخره واقعا چه میخواهید بکنید؟ شما قسمت مهم این قانون را که مربوط بسن است و در نتیجه مربوط بنظام وظیفه است این را در نظر بگیرید. چون عقیده اساسی بنده که حالا پیش نمیرود. چون شاید طرفدار به آن اندازه نداشته باشد و آن این است که شما مشمولین نظام را سنشان را باید بالا ببرید تا چهل سال. عقیده شخص بنده این است

اگر میخواهید سرباز زیاد بگیرید سن مشمولین نظام را ببرید بالا و باین قانون دست زنید. اگر مقصودتان سرباز گرفتن است و میخواهید با اینها نین نتیجه برسید نتیجه به عکس میگیرید و بنده الان استدلال میکنم. بالاخره مأمورین نالایق یا غیر صالح کار صالح را از سن نمی شود خواست. شما میخواهید که در نتیجه پیدا کردن حقیقت سن عده نظام وظیفه نان را زیاد کنید ولی این حقیقت بدتر گم میشود آنوقت که این اختیار و مبی را نداشته این حقیقت را گم کرده و حالا شما اختیار میدهید که تعیین سن افراد و اهالی این مملکت را بکنند آنوقت سن تمام اشخاص را طوری ثبت میکنند که هیچکس مشمول نظام نشود. چرا؟ برای اینکه تا حالا که خراب کرده در نتیجه سوء عمل و گرفتن رشوه و این چیزها بوده که آن اندازه سربازی که تا حالا باید قاعده مطابق این قانون در این مملکت گرفته باشند (و بنده هم تصدیق میکنم) گرفته نشده. این خرابی حالا هم در نتیجه این اختیار وسیعی که باو میدهید میشود. باز هم پول میگیرد رشوه میگیرد و او را از نظام وظیفه خارج میکنند و فقط شما کاری که کرده اید این است که زحمت مجددی برای مردم تولید کرده اید. تا حالا يك عده را زحمت انداخته اید يك عده را هم بر طبق نصرة که بعد خواهد آمد برای آتیه در زحمت می اندازید. و بنده شما قول میدهم که با این طریق يك نفر سرباز نمیتوانید بگیرید. شما اگر محتاج شده اید سیاست و وضعیت مملکت شما را محتاج کرده که يك عده سرباز زیادتر داشته باشید بنده هم موافقم بنده از اشخاصی هستم که عقیده دارم اجرای نظام وظیفه علاوه بر حفظ استقلال وطن و حفظ شرافت و آزادی يك ملت اساساً وضعیت روحی يك جامعه را تغییر میدهد و این مردگی و خودی در نتیجه اجرای این قانون رفع میشود. این عقیده شخص بنده است و عقبدم این است که تا چهل ساله هم باید برود در نظام و مشق کند آنوقت بعد زنده میشود و مثل يك آدم زنده در دنیا زندگانی میکند ولی این ماده

این عقیده را اجرا نمیکند و بدتر میکنند. و شما هم يك نفر سرباز نمیتوانید بگیرید عرض کنم پیشنهادی که در این زمینه شده است بعقیده بنده رفع ظلم نیست برای تقلیل ظلم است آقایان فقها این اصطلاح را بهتر از بنده میدانند. کسیکه نتوانست رفع ظلم کند بعقیده او است که تقلیل ظلم کند. پیشنهادی که تهیه شده است بعقیده بنده تقلیل ظلم است یعنی از سن يكسال تا بیست و يكسال را کاری نداشته باشند و از سن ۲۲ تا بیست و چهار سال را برای اینکه ما میخواهیم مقصود مقدس زنی را انجام بکنیم تجدید نظر بکنند و بعقیده بنده این رفع ظلم نیست رفع ظلم همان است که بنده عرض کردم که اگر محتاج به عده نظام هستید باید سن را بالا ببرید بعد هم بگذارید سجل احوال بيك نحو صحیحی اصلاح شود و طریق اصلاحش هم آن است که بنده عرض کردم که چون مأمور صالح زیاد نداریم قناعت کنیم به عده کم و از يك گوشه مملکت شروع کنیم بگوشه دیگر ختم کنیم. برای اینکه آقای وزیر مالیه در روز فرمودند همه تقصیر یا مأمورین نبوده مردم هم مقصر بوده اند که اوراق خراب شده بنده کاملاً تصدیق میکنم همانطوریکه در بدو عرایض هم عرض کردم يك جامعه که عادت به تحمل قانون نکرده يك جامعه که اصولاً سجل احوال را نمیداند چیست و اجرای قانون بلد نیست (در همین طهران يك عده نمیدانند سجل احوال چیست) در نتیجه عمل خودش ممکن است ورقه سجل احوالش را خراب کرده باشد ولی مأمورین سجل احوال علاوه بر اینکه مأمور اجرای قانون هستند موظفند که مردم را تعلیم با اجرای قانون کنند. تمام افراد مستخدمین دولت این مأموریت را دارند که در يك مملکتی که صدی نود و نه آن جاهل است مردم را بوظیفه شان راهنمایی کنند ولی متأسفانه در این جامعه مأمورین مردم را گمراهتر میکنند برای اینکه بیشتر استفاده کنند پس بالنتیجه ضرر متوجه مردم است و تقصیر متوجه مأمور. بنده

برای اینکه نمونه دست آقای وزیر مالیه بشد چون خودشان دبروز فرمودند در کوران این قانون نبوده‌اند ولی بنده یکی دو سه مثل عرض میکنم اگر نظر آن باشد يك وقت در نظر گرفته بودند که رئیس سجل احوال هر محلی حاکم آن محل باشد و بداهه هم بد فکری نبود ولی دیگر نمیدانستند که حکام (البته همه را نمیکویم برای اینکه مخصوصاً این اواخر حکام و ولایه خوب قانونی داریم) ولی بعضی حکام سابقان که خدای نکرده سوء بودند آنها معده شان وسیع تر بود و فوائد بیشتری میبردند بنده خودم سراغ دارم که یکی از حکام که شاید در آتیه شرف همکاری هم با آقایان پیدا کند از امر سجل احوال يك محلی دوازده هزار تومان استفاده کرد که بودند بکعبه که او را ببرند بی محاکمه و استنطاق و ثابت کنند این یکی از مامورین سجل احوال بود. یکی دیگر از مامورین که گویا اجل مهلتش نداد (آقای ملک آرائی میدانند) شنیدم در دوره گذشته علاوه بر اینکه در نتیجه مأموریت سجل احوال شش هزار رای برای خودش تهیه کرده بود شش هزار سه قران هم گرفته بود ولی اجل مهلتش نداد این جور چیزها است که خراب میکنند کار را مسئله انتخابات و سیاست و طمع مخلوط میشود. بالاخره همانطور که عرض کردم يك قانونی که باید نظام اجتماعی يك مملکتی را تدوین کند این را بدست این مامور میدهید که از ریشه نظام ما را خراب میکند خلاصه بیش از این تصدیق نمیدهم نظائر خیلی دارد الان در دو سه روز پیش یکی از دوستان بنده يك تلگرافی که از شبراز برایشان آمده بود به بنده ارائه دادند که مامور سجل احوال رفته در خانه يك بیچاره زن او را که هفت سال در خانه اش بوده بعنوان اینکه ورقه سجل احوال خراب است حبس میکنند الان در شبراز از دست مفتش سجل احوال داد و فریاد بلند است و شاید تلگراف به آقای وزیر داخله هم رسیده باشد. آقای مناصر السلطان هم میدانند بنده یقین دارم و تصدیق میکنم که هیچوقت اداره سجل

احوال به نظم و ترتیب امروز نبوده است با این حال امروز اینطور است. بلی عرض کردم که بنده هم تصدیق میکنم دولت نمیتواند برود باسما و فرشته بیاورد مستخدم این مملکت کند ولی وقتی از بکنفر مدیر ورئیس نجاوز کردیم و آمدیم پائین بنده الان نشان میدهم که در اداره سجل احوال بد سابقه ترین و بد نام ترین و بیست ترین افراد استخدام شده و مقام بلندی دارد این میروند در فلان جا تفتیش میکنند و داد و فریاد مردم بلند میشود اینها را نمیتوانید شما رفع کنید بنده تصدیق میکنم که نمیتوانید رفع کنید طرز کار را باید تغییر بدهید و طرز فکر آن را عوض کنید با اینکه يك ماده قانون بیاورید در مجلس و يك عبارت و تبصره برای مأمور در آن قانون بکنجانید آن منظور اساسی شما اجرا نمیشود. صاف و پوست کنده بگوئید برای مملکت شرباز لازم است و باید يك طریق سهلی پیش گرفت که عده نظامی زیاد شود از طرفی هم قانون سجل احوال را طوری اجرا کرد که در دست اشخاص غلط نباشد. این را بنده مکرر عرض کردم حالا هم عرض میکنم که قبل از اجرای قانون باید قوه مجریه قانون را اصلاح کرد.

رئیس آقای - دادگر

دادگر - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده مخالفم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - عرض میشود که آقای شیروانی در فرمایشاتشان قدزی تند روی کردند و بنده در آن قسمت ها نمیخواهم وارد شوم ولی چیزی که هست با در نظر گرفتن منظور دولت که مملکت قشون لازم دارد و باید افراد ملت شرباز شوند بالاخره هر مملکت و دولتی دو چیز را از مردم میخواهد یکی مالیات یکی شرباز که بنده و جناب عالی و افراد این ملت باید شرباز شوند و دفاع از استقلال و موجودیت مملکت بکنند مسلماً هر کسی میخواهد این را

واجب کفالتی نسبت بخودش تصور کنید و عینش را دیگران انجام بدهند یعنی شربازی را دیگران عهده دار شوند. در سابق این طور گفتند که میرزا تقی خان امیر کبیر آمد این قانون اصول بنیچه را برای این مملکت وضع کرد روی این فکر که هر کجا مردمانش شجاع تر ورشید ترند آنها بیاوند شرباز شوند آنجا هائی که مردمانش ضعیف النفس ترند و شجاع نیستند آنها مالیات بدهند. در میزی هائی که قبلاً شده و در بنیچه بندهای سابق اگر يك دقتی شود تصدیق میفرمائید که این معادله را در همان وقت در نظر گرفته اند هر جا شرباز داشته مالیاتش کم بود و هر جا شرباز نمیداده مالیاتش خیلی سنگین بوده. مالیات یزد خیلی سنگین است جزو جمعش را نگاه کنید بندها نصف خراسان مالیات دارد چرا برای اینکه شرباز نمیداده در خود خراسان هم يك جاهائی که شرباز میداده مالیاتش کم بوده و جا هائی که شرباز نمیداده سنگین تر بوده ولی در این عصر فلان ولایت مردمانش رشید و شجاعند آذربایجان رشید است، ملایری شجاع است باید شرباز بدهد ولی یزدی و کاشی ترسو است ندهد این تفاوت از بین رفته گفتند نباید امتیازی بین شهرها و دهانها قائل شد. شهرها میگویند ما باید از خدمت شربازی معاف باشیم و دهانها را از پشت گاو آهن بیاورند ببرند شرباز خانه و شهری ها راحت باشند این هم يك اصل غلط و ظالمانه است. ما ها که نماینده ولایات هستیم بهتر این قضیه را مسبوق هستیم که قانون بنیچه و ترتیب گرفتن آن چیست. الان شرباز های شش ساله هفت ساله بنیچه در شرباز خانه هستند برای اینکه عده که از اجباری آورده اند سر جای آنها را بر نکرده. فترت هم که در قشون جائز نیست و نمیشود تشکیلات قشونی را منحل کرد تا چار باید بتدریج شربازان وظیفه بیاوند و جای شربازان بنیچه را بگیرند و آنها را مرخص کنند. دهان دارد این مملکت که الان صد و پنجاه نفر سکه ندارد بنیچه اش هم صد و پنجاه نفر بوده است خراب شده و برانه

شده هیچکس هم غصه آنها را نمیخورد و بخه پاره نمیکرد وقتی که نوبت به شهرها رسید گفتند آقایان شهری ها شما هم باید پیش دهانها شرکت کنید در انجام این وظیفه ملی در تمام مرامها هم دفاع ملی داشتیم اینها را هم نودتم بودیم ولی چون تماس پیدا کرد با منافع خصوصی و دیدند این واجب چندان کفالتی نمیشود و دارد واجب عینی میشود انواع و اقسام اشکال تراشید. برای جلو گیری از این موضوع کردند. منجمانه از برای فرار از شربازی در مرقم گرفتن سجل احوال شروع کردند يك تقلباتی تصدیق میفرمائید همانطور که سایر آقایان مواجه هستند با يك سلسله شکایات و تعرضات ماها هم مبتلا هستیم دو سال هم هست در آن حدودی که بنده نماینده اش هستم شرباز اجباری گرفته شده این فرمایشاتی که آقایان شیروانی کردند سر جای خودش صحیح است فرمایشاتی هم که حضرت والا کردند همه اش صحیح است چیزی که هست مردمی که میخواهند از زیر بار این قانون خلاص شوند پول میدهند رشوه میدهند صدایشان هم در نمی آید چرا برای اینکه منفعشان است حالا ما نمیخواهیم بگوئیم که مأمورین دولت تمام صالح و بالاخره از اشخاصی باشند که فوق العاده طرف اطمینان باشند که هیچگونه خیال دزدی و خیانت و ارتشاء نمی کنند آن ها را مأمور سجل احوال کنیم و بروند و اوراق تهیه کنند و بدهند بدست مردم این از نقطه نظر تئوری خیلی خوب است امتحان کردید در این مملکت تشکیلات قضائی را. برای تشکیلات کوچک قضائی افرادی که لازم بود نداشتید و اگر يك اشخاصی هم داشتید در این مملکت که دارای صفات مخصوصی بودند در قسمت عالی تشکیلات قضائی واقع شده بودند و توقع و طمعشان زیاد بود ولی در قسمت های کوچک قضائی آنطور اشخصیکه لازم بود پیدا نشد و اگر يك اشخاصی پیدا شدند در عمل دیده شد که لیاقت و صلاحیت نداشتند و انتقالشان دادند بجاهای دیگر وقتی که شما برای تشکیلات قضائی افراد صالح و کامل ندارید برای تشکیلات

سجل احوال و دادن اوراق هویت بدست اشخاص قطعاً ندارید . . .

شیروانی - این مهمتر است

یاسائی - نه این قدر ها مهم نیست . خودتان میگوئید در صورت اختلاف بروند بعدلیه رسیدگی کنند اگر مهم تر بود بعدلیه مراجعه نمیکردید . قوه قضائیه در برابر سجل احوال نیست در برابر مجلس شورای ملی و دولت است . خلاصه اینکه شما از نقطه نظر صحت عمل مأمورین سجل احوال صرفاً بخواهید يك قانونی را اجرا کنید تصدیق کنید عملی نیست آن طور مأموری که دلتان می خواهد محیط آنطور تربیت نکرده افرادی که می آیند از همین مردم هستند ملائکه نیستند از ممالک خارجه هم که نمیتوانید استخدام کنید آنها هم که می آیند می بینیم انقدر ها تفاوتی با افراد این مملکت ندارند و بالاخره شما اگر بخواهید مملکت قشون و سرباز داشته باشد و قشون و سربازش زیاد شود ناگزیرید يك تدابیری کنید که از نفرت قشونی کم نشود يك فکری يك طریقه پیشنهاد کنید يك پروژه بیاورید و بفرمائید که از این طریق اگر سرباز بگیرید بالاخره قشون ما زیاد شود و مشکلاتی هم برای مردم فراهم نمیشود شما خودتان فرمودید که بنده اجازه میدهم که از بیست و یکساله تا چهل ساله باشد آنوقت اینها راضی هستند و بیست و پنج ساله ها از بنده و جنابعالی راضی نیستند بالاخره این حرفهایی که ما میزنیم از نقطه نظر عدم رضایت يك عده است و حالا اگر ما توسعه بدهیم و بگوئیم بیست و پنج ساله و سی ساله و چهل ساله هم بیایند روی کار عدم رضایت بیشتر میشود و البته اگر قضاوت از روی عدم رضایت با رضایت شود چندان صحیح نیست ولی از لحاظ مصلحت مملکت باید يك رویه اتخاذ کرد که قشون مملکت زیاد شود . موفقیت این مملکت حواشی این مملکت موقعیت کنونی دنیا ما حکم میکند و پشت گردنمان میزند که باید قشون را زیاد

کنید تشکیلات نظامی نان را توسعه بدهید و بالاخره احیاء کنید وضعیت تاریخی نان را حالا اگر ما بخواهیم اشکال تراشی کنیم و يك مشکل پسند هائی در عمل کنیم تصدیق بفرمائید این نتیجه حاصل نمیشود بنده یقین دارم سوء نیتی از طرف دولت در مقام اصلاح قانون نیست شما هم این عقیده را دارید از مقامات عالیه هم جز حسن نیت در این باب هیچ چیز نیست بالاخره دولت وزارت داخله وزارت مالیه سائر وزراء همه عقیده مندند که باید موجبات ازدیاد سرباز و قشون را فراهم کرد بدون اینکه يك زحمتی متوجه يك اشخاصی بشود این طریقه که دولت پیشنهاد کرده بعقیده بنده تا يك اصلاحی که قبلاً شده بود و با حضور آقای وزیر عدلیه و با حضور آقای مدرس نواقصی حاصل شد و مختصر اصلاحی درش شد گمان میکنم بد نباشد . در اینکه در طهران و بعضی جاها يك تخلفاتی شده است در موقع اجرای این قانون حرفی نیست . در اینکه خود ما میدانیم اشخاص چهل ساله ، پنجاه ساله ، سی ساله هم ورقه هویت بدست و يك ساله در دست دارند این هم جنای حرف نیست ، اصلاح این قانون و این ماده تنها از نظر تشکیلات سجل احوال مفید نیست . برای اشخاص پنجاه ساله هم مفید است . به شخصی که ریش بلند دارد ریش سفید است حالا ورقه هویت او بدست و یکساله است . میگویند بیست و یکساله است بیا سرباز شو پس اصلاح اوراق هم برای او مفید است و هم برای دولت . بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت بفرمایند مذاکرات زیادی در اطراف این ماده نشود این ماده با اصلاحاتی که در نظر است بگذرد و زیاده بر این وقت خود ما و وقت مجلس را تلف نکنیم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین مضمون قرائت شد)

در آخر تبصره ماده ۸ این عبارت اضافه شود

و تا حکم از محاکم مزبوره صادر یا مدت دو ماه

فوق منقضی نشده است اوراق سابق باعتبار خود باقی است آقا سید یعقوب - بنده در کمیسیون داخله رفتم باعضای عرض کردم که این پیشنهادی که ما کردیم توافق دارد با قضایای قضائی که نسبت به ثبت اسناد معمول است . هر جا قانون حق اعتراض به معترض داد باید چیز سابق نسبت بحال خودش باقی باشد تا اینکه بر اعتراض او حکومت وارد شود ما بداره سجل احوال حق داده ایم که در این ورقه نظر بکند در این ورقه که غلط صادر شده قانون حق میدهد که تجدید نظری نسبت بآن بکنند و رجوع بکنند بحکمه پس چون قانون این حق رجوع را بحکمه باو میدهد مقتضی است که ورقه سابق بحال خودش باقی باشد تا حکم صادر شود . بنده مطابق موازین قضائی و نظایری که دارد پیشنهاد کردم و به آقای مخبر عرض کردم به اعضاء محترم کمیسیون داخله به آقایان وزیر مالیه و داخله هم عرض کردم گمان میکنم این يك قدمی است (بقول آقای شیروانی اقل ظاهراً) که رو باصلاح میرویم .

وزیر مالیه - چون پیشنهادی که نماینده محترم کردند يك پیشنهاد منطقی است و شاید با مختصر اصلاحی بشود با او توافق کرد بنده موافقت میکنم ولی برای اینکه وجه جمعی بشود بنده از مقام ریاست تقاضا میکنم که این پیشنهاد را مؤخر از سایر پیشنهادها بدارند تا تکلیف آنها قبلاً معین شود بعد این اصلاح بشود .

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۸ بطریق ذیل نوشته شود

ماده ۸ - اداره سجل احوال هر حوزه میتواند تا یکسال از تاریخ تصویب این قانون تا یکسال اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از فروردین ۳۰۷ داده شده و سن را به ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تشخیص داده تجدید نظر نموده با اطلاع صاحب ورقه و رعایت آنچه در ماده اول ذکر شد اصلاح و تصحیح نماید الی آخر .

رئیس - آقای مدرس

مدرس - البته در پیشنهاد نباید زیاد صحبت کرد

ولی چون مسئله مهم است اگر صحبتی داشته شود انشاء الله الرحمن ضرری ندارد . اولاً سابقاً عرض کرده ام باز هم عرض میکنم که مملکت دیانت میخواهد مملکت قشون میخواهد مملکت هم سجل احوال میخواهد ، احصائیه میخواهد ، این گفتگو تدارک و محتاج بدلیل و برهان و اینها نیست قضیه قیاساتها معها ولی ما داریم لاصلوة الا بحضور القلب یعنی من نماز بکنم ولی حضور قلب نداشته باشم این شکل است حقیقت نماز نیست . من شاید آقایان خیلیشان تصدیق دارند که در این فکر با شریک المکر بودم یا مؤسس الفکر ولی این فکری که من مؤسس بودم یا شریکش بودم قوانینی بود در این مملکت که حس سرباز بودن را درست میکرد نه فقط سرباز درست میکرد حس سرباز بودن درست میکرد . قوانین همه روی این اساس بود . قدم نظام روی این اساس است . حالا در آن مسئله بر وارد نمیشوم . يك قانونی گذشت قانون نظام اجباری . این قوانین هم از متفرعات اوست . به بینیم آیا این قوانین این جوروری که متداول شده است و میخواهیم بگذرانیم آن نتیجه را میدهد . بعقیده من تا حال آن نتیجه را نداده است روش و ریختش را جورری ریخته ایم که آن نتیجه را بدهد مملکتی که يك میلیون سرباز داشته باشد بهتر از این است که يك کرور داشته باشد ولی حس سرباز بودن مفید است نه سرباز بودن . حس سرباز بودن . این قانون که شما باین سختی مینویسید این نتیجه را نمیدهد . باید قانون را طوری نوشت که این نتیجه را بدهد . اگر يك میلیون قشون داشته باشیم و حس سرباز شدن در اینها نباشد بکنفرشان بدرد نمبخورد . اما اگر قانون را جورری نوشتید که نتیجه اش حس سرباز بودن درست شد این بدرد مملکت میخورد . این بدرد حفظ مملکت ما میخورد . این ما را نگاهداری میکند . آقایان روشی که در این قوانین ایجاد کرده اند روش سختی است و آن نتیجه منظور و مقصود را نمیدهد . این ماده که اسمش را گذارده اند ماده اصلاحی بعقیده من

هر جوری درستش کنیم زحمت دارد اینهم که میخواهیم درست کنیم یعنی با نبر سر را بزیم یا آره ببریم. حالا آره بهتر از نبر است یا چاقو بهتر از نبر محاکمه است رجوع کردن سجل احوال هائی که گذشته است مأمورین رجوع کنند یعنی يك محاکمه کنند يك رسیدگی کنند يك نتیجه بگیرند ما با آقای شبروانی و دیگران در این زمینه يك پیشنهاد اصلاحی کردیم که مأمورین سجل احوال را وزارت داخله از متقاعدین حوزه یا منتظرین خدمتی که رتبه ۵ بالا دارند تشکیل بدهند آقایان بکلی اورا زین برودند هر قانونی که از مجلس میگذرد محل ابتلاء میشود یا متعلق به مال مردم است یا بجان مردم است یا بعرض مردم است قانون سجل احوال هم مربوط به مال است و هم بجان است و هم بعرض. لذا باید تمام جهات را مراعات کرد در این ماده بعقیده ما این اختیاراتی که داده شده بر خلاف همه مقصود ماست لذا من از باب لایب و ناچاری گفتم این سجل احوالهای سابق هیچده ساله را نوشته نوزده ساله یا نوزده ساله را نوشته هیچده ساله این امسال نمره سربازی سال دیگر میرسد. این لزومی ندارد که رسیدگی کنند و زحمت بیندازند. اما بیست و دو ساله و بیست و سه ساله و بیست و چهار ساله شاید این بیست و سه ساله بیست و سه ساله نوشته اند این را نچدید نظر کنند و بترتیبی که در ماده اول ملاحظه فرمودید نگاه کنند به بینند اگر عیبی دارد عیب را رفع کنند. اما از بیست و شش و بیست و هفت تا طرف و نوزده و هیچده و هفده چندان نمره عملی ندارد غیر از زحمت بلی آقای وزیر مالیه فرمودند که نتیجه سجل احوال منحصر باین فائده نیست اگر حقیقه سجل احوال خوب داشته باشیم يك فوائد زیادی دارد که یکیش این است ما خواهش داریم از دولت که از این بیعد تمام این کارها را انجام بدهند. تمام فوائد سجل احوال را از مورد حسب و نسب و سجل زائیدن و بزرك شدن و تحصیل کردن همه صفات کمالیه و جلالیه را از این بیعد منظور کنند نسبت فروردین بعد و متوالین حالیه این کارها تمام

شود. حالا اگر این پیشنهاد را قبول نفرمایند باضمیمه آن پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در تبصره بعقیده بنده این ماده کم ضرر میشود و مقصدی هم که دولت دارد حاصل میشود. آقای وزیر عدلیه که میگفتند از ۲۴ بروید ۲۵ و بیست و شش حالا بنده یکسال کم و زیاد را اهمیت نمیدهم ولی فی الجمله دایره را باید کوچک کرد حالا يك کسی بیست سال داشته نوزده سال نوشته اند سال دیگر میآید. این يك اهمیتی ندارد که حالا ما نخواهیم مورد مذاقه قرار بدهیم و اما انحصار کردن بر پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب که همه بروند محاکم آقا محاکم کجا؟ مردم کجا ملتفتند و کجا دستشان میرسد که هر کس از مأمورین سجل احوال شکایت دارد بروند محاکم؟ این يك مسئله است که خیلی خوب است مطابق سلیقه ولی نتیجه اش خیلی کم است وزیر مالیه - این پیشنهاد که بنده محترم میفرمایند سابقه مذاکرات دارد در ضمن صحبت دیروز هم بنده خودم اشاره باین مطلب کرده که اگر منظور فقط اصلاح مطلب از نقطه نظر سرباز گیری باشد شاید تا حدی این پیشنهاد این نظر را حفظ میکند ولی يك عیب دیگر هم هست آنرا هم بایستی عرض کنم. دیروز عرض نکردم این عیب مشکل بودن اجرا است. آقایان شکایت میفرمایید از اینکه قانون خوب اجرا نمیشود مأمورینی که باید اجرا کنند آنطور که باید از حیث اخلاق از حیث دانائی و فهم کامل نیستند و يك سوء جریانهائی در کار پیدا میشود خوب خودشان باید تصدیق فرمایند که با يك همچو وضعیتی بنده همیشه عرض میکنم اساس این را نمیخواهم مدعی شوم که تمام مأمورینی که در این کار هستند از حیث اخلاق مهذب ترین مردمند و از حیث فهم فہیم تر مردمند ولی از آنطرف شما باید فکر کنید که اگر قوانین را مشکلتر بکنیم آنوقت مأمورین اگر خوب هم باشند نمیتوانند اجرا کنند و دچار اشکال میشوند. قانون را هر قدر ما ساده تر کنیم آسان تر کنیم بهتر است و البته اینجا دو نکته است که بنده مجبورم يك اشاره مختصری بکنم یکی مسئله است که

آقای شبروانی اظهار فرمودند آقای مدرس هم تأیید کردند و آن این است که این اصلاحی که ایشان کرده اند تقلیل ضرر است با قبول آقای شبروانی تقلیل ظلم است خوب مانع ندارد آقایان کامل کنید چرا رفع ظلم را بطور کامل نمیکند؟ ما اینجا همیشه مواجه هستیم با این وضعیت و این نحوه فکر و فعلاً چیز عجیبی است و آن این است که میگوئیم این کار خوب است قشون برای مملکت از فرائض است و باید زنده کرد. يك میلیون بشد بهتر از پانصد هزار است اما ولی با آن (ولی) ما با آن (اما) هر یکلی اصل مقصود را از بین می برند... شبروانی - این ماده شد اصل مقصود را از بین میبرد وزیر مالیه - اگر کسی قائل این است که نظام وظیفه در این مملکت لازماً است و این مملکت قشون میخواهد باید فکر کرد شاید اگر يك راهی هست که راهی برای قشون گیری غیر از سجل احوال هست آقا پیشنهاد کنند آنوقت سجل احوال را باید گذاشت کنار و گفت برای این راه بروید قشون بگیرید و سجل احوال هم نمیخواهیم پنجاه سال دیگر صبر میکنیم تا وقتی که مردم ما تربیت شوند و افکار ما بهتر شود تا اینکه آرزو بتوانیم سجل احوال خوب داشته باشیم این منطقی است ولی اگر يك راه دیگری پیش پای من آن موافق با گرفتن قشون آن موافق با داشتن يك میلیون قشون غیر از سجل احوال نمیکند بنده سجل احوال قائل میشوم سجل احوال را هر چکار کنیم؟ آقایان قائلند که مأمورین باید اجرا خواهند کرد پس این تمام است حکمت و قضیت بذلک را هم آقای مدرس پشت سرش بفرمایند مدرس - بقدری که مأمور دارید اجرا کنید. وزیر مالیه - این يك مسئله است که باید در تمام نقاط این مملکت عرض و طویل دفتر سجل احوال درست کرد نسبت باین مردم و ورقه داد این طبیعی است اگر راه اصلاح برایش دارید بگوئید بانفی و با اینکه درست

و با تنقید درست نمیشود این يك نکته نکته دیگر که آقای مدرس اشاره کردند که سجل احوال و قوانین نتیجه مطلوبه را حاصل نمیکند. بایستی در قانون سرباز گیری حسن سربازی پیدا کرد بنده کاملاً با آقای مدرس موافق هستم چیزی که مطلوب است حسن سربازی است... مدرس - حالا به هم میرویم بیغ شده اگر کسی دانش خواست سرباز بشود! وزیر مالیه - این حسن سربازی را آقای مدرس قوانین در هیچ مملکتی ایجاد نکرده. زور قانون زور ساده قانون هر قدر خوب باشد و مجربش خوب اجرا کند حسن حقیقی سربازی تولید نمیکند حسن اجتهائی تولید نمیکند. چه چیز حسن سربازی تولید میکند؟ آن حرف و تبلیغ و تربیت است متأسفانه عوض اینکه حرفهائی که از تمام سراز داخل و خارج زده میشود کتک بکند اینکه این حسن را تولید بکند تمام این حسن را خفه میکنند. يك روز بعنوان این است که مأمورین سجل احوال پدر مردم را در آورده. يك روز بعنوان این است که مأمور سرباز گیری چه کرده. قانون را درست بکنید اجرا میکنند با این حرفها این پرپاشدها و تبلیغات اصل آن حسن را از بین میبرند! تولید حسن نه زور قانون میشود نه با اجرای قانون تولید حسن کردن تبلیغ. با تشویق با دعوت مردم است با اینکه بیایند و قائل شوند با اینکه این وظیفه و وظیفه مملکتی است و ملی است و همه باید انجام بدهند. آقا میشود يك حقیقی را اظهار کرد و مسائلی را تصدیق نمود آنوقت در ظرف کار با يك حیوانی و عوارض و بهلوها کلی قانون را ازین برد بنده میشنوم اصلاح قانون سجل احوال موافق دارد خوب این قانون اصلاحش باین میشود که اوراق هويت عملاً اصلاح شود این نه برای بیست و دو سال است نه برای بیست و سه سال نه برای بیست و چهار سال... مدرس - ما گفتیم مأمورین را عوض کنید وزیر مالیه - داد تربیت آقا با این حرفها قانون سجل

احوال از بین نمی‌گذارد با این حرفها قانون سرجل احوال از بین برود. اصلاح قانون سرجل احوال باین صورت باید بشود همه اوراقی هم که در این مملکت داده شده باطل نیست. الان بنده تحقیق کرده ام ناحیه بروجرد تمام درست است چه لزومی دارد تجدیدش کنند...

مدرس - بجهت اینکه پنجاه ساله را بدست و بکساله نوشته اند.

وزیر مالیه - شما هم این ظهاری که می‌کنید مبتنی بر هیچ سند و مدرکی نیست. آنجا هائی که پنجاه ساله را بدست و بکساله نوشته اند یا بدست و بکساله را پنجاه ساله نوشته اند آنجا ها را باید عوض کرد. بدست و سه ساله و بدست و چهار ساله و بدست و پنجساله را عوض کنیم این خودش تولید يك مشکل تراشی می‌کنند که اسباب زحمت در موقع اجرا میشود. بگوئید همه را عوض کنید چرا این حرف را تمیزید؟...

مدرس - بسیار خوب

وزیر مالیه - بهترش این است که همه را عوض کنند خرجش زیاد تر میشود. پول بیشتر باید داد وقت قدری بیشتر تلف میشود ما از این راه با شما موافقت نمیکنیم ولی از يك طرف شما میفرمائید قضیه باید منطقی باشد رسیدگی بورقه راهش همان رجوع بحکمه است.

پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب کردند خوب است من هم موافقم اگر مقصود حقیقه پیدا کردن يك راهی است برای اینکه تأمین بیشتر بشود تضمینان بیشتر بشود این پیشنهاد منطقی است بنده هم یا شما موافقت می‌کنم یعنی شما در قانون آمده اید مدت دو ماه برای آن کسی که ورقه اش را سرجل احوال تصحیح کرده اصلاح کرده فرصت دادید در مدت دو ماه برود در محکمه اعتراض کند...

مدرس - کدام محکمه؟

وزیر مالیه - خوب شما منکر همه چیز هستید پس اساساً بگوئید این مملکت تشکیلات نمیخواهد. مقصود

قانون نظام وظیفه بوده تجدید نظر شود ولی نسبت به قبل از آن چون محتاج نیست بحال خودش باقی باشد مخیر - چون منظوره هم همین بوده است که آقای پیشنهاد فرموده اند از اینجهت بنده قبول می‌کنم

پیشنهاد آقای مالک مدنی

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده هشت مدت دو سال بیک سال تبدیل شود

رئیس - آقای مالک مدنی

مالک مدنی - ماها که این مذاکرات را کردیم همه نظر مساعد و موافق داریم هیچیک با نظام مخالف نیستیم بنده پیشنهاد کردم که مدت دو سال بیک سال تبدیل شود برای اینکه مدت خیلی زیاد فاصله نشود و زود تر این اوراق بگذرد و خانه پیدا کند و تصور می‌کنم آقای مخیر هم خوست موافقت بفرمایند

مخیر - بنده قبول می‌کنم که در سال تبدیل شود به يك سال و در دو نقطه این اصلاح باید بشود یکی در سطر دوم و یکی هم در سطر چهارم.

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۸ در سطر دوم قبل از فروردین ۱۳۰۷ حذف و بجای آن نوشته شود از تاریخ شروع باجری قانون نظام اجباری داده شده. وآنها را محتاج تصحیح میدانند الی آخر.

دهستانی - مسترد می‌کنم

پیشنهاد آقای حق نویس

این جانب پیشنهاد می‌کنم ماده ۸ اینطور تنظیم شود اداره کل احصائیه و سرجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویت هر ناحیه که قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و اوراق آن ناحیه را محتاج تصحیح میدانند اوراق همان ناحیه را تجدید نظر کرده الی آخر

رئیس - آقای حق نویس

حق نویس - چون نظر بنانی که راجع باین قانون است بیشتر متوجه سوء ظن درباره مأمورین است و گفته

میشود که مأمورین اکثر اختیاراتشان را سوء استعمال میکنند. بنده برای اینکه این نظر نامین شده باشد از این جهت پیشنهاد کردم همان طور که خود آقای وزیر مالیه هم در تفریقات خودشان در جلسه گذشته فرمودند یکی از اقسام این است که ناحیه مورد تجدید نظر قرار داده شود یعنی اگر خود اداره کل احصائیه متوجه شد که فلان ناحیه خیلی خراب است اولاً حق تجدید برای اداره کل باشد نه برای هر مأمور (بطوری که هر شخصی هر روزه بتواند بیل خودش تجدید نظر کند) این حق رای اداره کل باید باشد. در این صورت البته مأمورین کمتر میتوانند از اختیارات خودشان سوء استعمال نمایند. اگر در يك ناحیه اوراق غلط صادر شد تجدید نظر باید مربوط بخود اداره باشد لهذا بنده این پیشنهاد را کردم

مخیر - عبارت ماده تصریح دارد که این حق با اداره داده میشود نه به مأمورین. ولی برای اینکه قضیه کاملاً روشن شده باشد که از هر حیث رفع نگرانی نمایانده محترم هم بشود بنده با مفهوم پیشنهاد نماینده محترم موافقت می‌کنم ولی چون مقصود اصلاح هر حوزه است نمی‌توانیم موافقت بفرمائید نوشته شود اوراق اظهار نامه و هویت هر حوزه را که پس از خرداد ۱۳۰۴ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر نماید.

حق نویس - بنده هم قبول می‌کنم.

پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب

پیشنهاد می‌کنم در آخر بصره ماده ۸ این عبارت اضافه شود. و ناحیه از محاکم مزبور صادر بامدت دو ماه فوق منقضی نشده است اوراق سابق باعتبار خود باقی است.

مخیر - بنده قبول می‌کنم.

رئیس - سه فقره اصلاح شده است. یکی از طرف آفاسید یعقوب. یکی پیشنهاد آقای حق نویس و یکی هم مال آقای عراقی.

خطیبی - یکی هم مال آقای مالک مدنی بود.

وزیر مالیه - بلی تبدیل دو سال به يك سال.

بمسئلی - بنده عرض دارم.

رئیس - شرمناک است.

بمسئلی - در آخر ماده اینطور نوشته شده که اگر اداره مذکور اعتراض را وارد دید و اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد کرد. این جمله تا آن پیش از این که آقای آقا سید یعقوب فرمودند متناقض است برای اینکه تأمور حق داده مانده که اوراق را تصحیح نماید تصحیح کند بعد معترض اگر حرفی دارد رود و اعتراض بعد حکم صادر کنند. بنده عقیده ام آنست که عبارت پیشنهادی آقا سید یعقوب باید اصلاح شود و الا با ماده متناقض دارد. در هر حال با بنده درست نمیفهمم و با محتاج صلاح است.

وزیر مالیه - بگمان من میگویم نمیشود محترم قدری صفت فرمودند و عقیده بنده متناقض ندارد.

تبصره این است که: اشخاص ذی نفع اگر اعتراضی بجهت نظری که اداره سجل حوال در آن بپس کرده داشته باشند این مرحله اولش است که اگر تأمور سجل حوال يك اوراقی با غلط داشته باشند تصحیح کنند آنوقت اگر نسبت به آن اعتراض دارد و با این ورقه ثانوی را که تأمور صادر کرده غلط میدانند میتوانند اعتراض بدهند. در قسمت دیگر تأمور که پس از صدور ورقه معترضین میتوانند تا دو ماه بعد بحاکم صالحه مراجعه کنند این دو قسمت راجع به تبصره بود آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند تا وقتی که این حکم صادر نشده و با مدت دو ماه متقاضی نشده این ورقه جدیدی که از طرف تأمور صادر شده مععلق باشد و آن ورقه سابق اعتبار داشته باشد تا از محکمه حکم صادر شود. و در حقیقت مقصود این است که این اوراق جدید بحال رفته بماند و اوراق سابق بقوت خودش باقی باشد تا حکم ثانوی از محکمه صادر شود.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

پیشنهاد میکنم که عبارت تا يك ماه تبصره ۲ تبدیل شود تا سه ماه.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است اگر الشاء الله ما يك کاری میکنیم که تمام مردم با کمال ذوق و شوق وارد خدمت نظام شوند خیلی فایده دار است. و باید يك ترتیبی کرد که نظریات کاروان ملاحظه کنیم که اسباب زحمت مردم فراهم نشود.

در تبصره نوشته اند اشخاصی اگر اعتراضی را بجهت نظری و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشد می توانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هويت جديد بحاکم صالحه مراجعه نمایند. این يك ماه و دوماه که معین شده شاید در شهر اشکالی ندارد ولی در دهت و قره و راههای دور مردم نمیتوانند در این مدت کم اطلاع پیدا کنند و وسایلی دسترس ندارند از این جهت بنده عقیده ام این است که اگر تجدید نظری شود باید مدت را قدری زیاد کنند تا مردم وقت داشته باشند.

مخبر - مقصود نماینده محترم این است که مدت قدری باشد که مردم بتوانند اعتراض خودشان را بدهند بنده تصور میکنم برای اشخاصی که حقیقتاً اعتراض داشته باشند و بخواهند اعتراضی بدهند باید است دو ماه بلکه يك ماه هم کافی باشد و این اشکالی ندارد خوب است آقا مسترد بدارند.

فیروز آبادی - بسیار خوب مسترد میدارم.

رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند این ماده حذف شود. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون این پیشنهاد را میخواهند آن را پس گرفتیم و لا بنده باین ماده قائل هستم.

رئیس - در ماده هشتم دو سه فقره اصلاح شده که خود آقای مخبر باید بنویسند. اجازه میفرمائید بماند برای بعد از تنفس؟

وزیر مالیه - نوشتند و دادند.

رئیس - ماده هشتم با اصلاحات قرائت میشود. (این قسم قرائت شد)

ماده ۸ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی

حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا یکسال اوراق اظهارنامه هويت هر حوزه را که بعد از خرداد ۱۳۰۴ و قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند کلیه اوراق آن حوزه را تجدید نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هويت تصحیح نماید و همچنین اشخاص ذی نفع اگر اعتراضی بر اوراق صادره دارند می توانند در ظرف یکسال فوق اداره سجل احوال رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره مذکوره اگر اعتراض را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد کرد.

تبصره - اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر تجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هويت جديد بحاکم صالحه مراجعه نمایند و تا حکم از بحاکم مزبور صادر و با مدت دو ماه منقضی نشده است اوراق سابق باعتبار خود باقی است.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۸ آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع شبری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد)

ماده ۹ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صالح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره اسناد مذکوره بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مذکوره میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت تأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر مینمایند.

تبصره ۱ - احکام محاکم فوق قطعی (غیر قابل استیناف و تمیز) است

تبصره ۲ - اعتراضاتی که نسبت بسن باشد باید در ظرف یکماه پس از صدور ورقه هويت بحاکم صالحه اظهار شود پس از انقضای مدت مزبور راجع به سن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد.

تبصره ۳ - در محاکم صالحه برای رسیدگی باسناد سجل احوال نماینده سجل احوال اقامه دعوا و مدافعه خواهد کرد و اداره سجل احوال از نادیه مخارج عدلیه معاف خواهد بود.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بدو عرض میکنم از اینکه آقای وزیر مالیه همه را با يك چوب از میدان راندند متأسفم ایشان يك فرمایشاتی فرمودند که همه را از بین بردند بنده که از مخالفین آن ماده هشتم بودم هدف فرمایش ایشان نبودم اگر هنوز ایشان تردیدی دارند که بنده مخالف سجل هستم و میخواهم این قانون را از بین ببرم بنده با ایشان قول میدهم که خیر همچو نیست و بنده نمیخواهم این قانون از بین برود و از اول هم اگر نظرشان باشد در دوره پنجم بنده مدافع این قانون بوده ام با این حال نمیدانم سبب بی لطفی ایشان نسبت به بنده چه بود که عصبانی شدند و بنده را هم با يك چوب از میدان بردند عیبی ندارد گفته باشند ولی عرض میکنم تمام آن معایبی که آن ماده هشتم نسبت به گذشته داشت این تبصره نسبت به آتیه دارد بنده از اول تا آخر گفتم که اگر میخواهید سرباز زیاد کنید سن را بالا ببرید. و اگر قسمتهای دیگر هم يك عیب هائی دارد مربوط بطرز اجرای خودشان است، باید اعلان کنند. ترتیبات را اصلاح کنند. فرضاً چهار روز دیر وزود شد اهمیت ندارد. برای زیاد کردن عده سرباز راهش همان است که عرض کردم یعنی عده سن را بالا ببرند.

رئیس - راجع بماده ۹ مذاکره بفرمائید

شیروانی - بنده عرض میکنم این ماده ۹ همان معایب ماده قبل را نسبت به آتیه دارد بنده از آقای وزیر مالیه که يك شخص منطقی هستند میخواهم سؤال

کم چطور ممکن است تعیین سن کسی را بعهده دیگری واگذار کرد؟ این شخص ناچه مدبرکی می تواند سن دیگری را تعیین کند مثلاً سن بنده را يك نفر دیگر چه جور ممکن است معین کند راهش چیست؟ خوب است بفرمایند تا بنده بفهمم بنده نهایت موافقت را دارم که این تبصره عملی شود ولی چون قطعاً ممکن است عملی شود و اشکالات تولید خواهد شد و در نتیجه قانون سبج خراب میشود از این جهت مخالفم و الا تبصره بسیار چیز خوبی است.

رئیس - آقای روحی
روحی - عرض کنم راجع به تعیین سن که فرمودند در این سنواتی که قانون سبج درست اجرا نشده بود برای فرار از خدمت يك فلسفه های عجیب و غریبی درست میکردند مثلاً هیجده ساله را میگفتند بیست و چهار سال دارد در این صورت گمان میکنم این تبصره اشکال را رفع کند و باید بدانند که محاکم عدلیه مخصوصاً صالحیه ها مکلفند که حقوق مردم را حفظ کنند این شخصانی که سن را تعیین میکنند از روی يك قواعد و موازین قضائی است البته می نشینند و از روی يك مدارکی سن را تعیین میکنند و غیر از این هم راهی نیست. اگر به نظر نماینده محترم راه بهتری میرسد خوب است پیشنهاد بدهند گمان میکنم دولت هم موافقت خواهد کرد.

رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - بنده تذکری داشتم دینم جز بعنوان مخالفت راه دیگری ندارم که عرض کنم و آن این است که البته آقایان میدانند که دعای راجعه بسبج احوال در شمار دعای حقوقی است و در صورتیکه در اینجا قید نشود که قانون حکمیت شامل این دعای نیست بنظر بنده اشکال پیدا خواهد کرد. از این جهت بنده برای تذکر آقایان عرض میکنم که این تذکر لازم است داده شود. و الا با اصل موضوع موافقت خواهد شد.
مخبر - در موقعش پیشنهاد بدهید موافقت خواهد شد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(پیشنهادی از طرف آقای شریعت زاده مضمون ذیل قرائت شد)
تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم که بر ماده ۹ اضافه شود.
تبصره - دعاوی فوق راجع باوراق سبج احوال از دعاوی حقوقی محسوب است ولی مشمول قانون حکمیت نیست.

مخبر - بنده بعنوان تبصره چهارم قبول میکنم.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم تبصره بعنوان تبصره چهارم ماده ۹ اضافه شود:

دعای فوق راجع به اسناد سبج احوال از دعاوی حقوقی است ولی مشمول قانون حکمیت نمیشود.

رئیس - این پیشنهاد هم عین همان است.

پیشنهاد آقای ملک مدنی:

پیشنهاد میکنم در ماده نه مدت يك ماه بدو ماه تبدیل شود.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - پیشنهاد بنده توضیح زیادی لازم ندارد برای اینکه در دهات با جاهای دور دست در مدت يك ماه نمیشود این ترتیب را اجرا کرد از این جهت بنده پیشنهاد کردم يك ماه تبدیل بدو ماه شود خود آقای مخبر هم موافقت

مخبر - بنده قبول میکنم

پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم در تبصره دو ماده نه بعد از کلمه يك ماه نوشته شود در محلی که محاکم صالحیه و ابتدائی نباشد در ظرف دو ماه دهستانی - بنده هم با پیشنهاد آقای ملک مدنی موافقت میکنم.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم در تبصره ماده نه این عبارت اضافه شود تا حکم از محکمه صادر نشده یا مدت منقضی نگشته ورقه اعتبار نخواهد داشت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون ما اختیار دادیم مأمور سبج احوال که اگر سنی را مطابق واقع ندید میتواند در ورقه جدید صادر کند و با طرف هم حق اعتراض دادیم که در صورتیکه مأمور سنش را مطابق واقع و حقیقت تشخیص نداد بتواند اعتراض کند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام مادام که حکم از محکمه صالحه صادر نشده و بامدت اعتراض طرف منقضی نشده ورقه صادره اعتبار ندارد در همان ورقه سابق بقوت خودش باقی باشد.
مخبر - بنده با مفهوم پیشنهاد نماینده محترم موافقم ولی اجازه بدهند که درست به بینم اگر اصلاحی لازم دارد اصلاحش کنم وزیر مالیه - نظر آقای آقا سید یعقوب را اصولاً تأمین خواهیم کرد. ممکن است باین طور نوشته شود که تا موقع صدور حکم محکمه یا انقضاء مدت معینه اعتبار ورقه صادره قطعی نخواهد بود.

آقا سید یعقوب - بسیار خوب.

پیشنهاد آقای یاسائی

پیشنهاد میکنم در اول ماده نهم اضافه شود

از اول فروردین ۱۳۰۷ بعد هر گاه اختلافی راجع با اسناد سبج احوال الح

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - در شور اول هم مذاکره شد که ماده نه با ماده هشت تناقض دارد برای اینکه در ماده هشت بطور اجمال تاریخ نوشته شده ولی در ماده نه بطور مطلق ذکر کرده و معلوم نیست که این اختلاف راجع با اسناد سبج احوال از چه وقت اگر حادث شده باشد لهذا بنده پیشنهاد کردم که از اول فروردین ۱۳۰۷ ببعد اگر اختلافی حاصل شد تکلیفش همین است که در ماده نهم معین شده

مخبر - این ماده مربوط است باورقی که در آئینه صادر خواهد شد. و اصولاً همین نظر در کار بوده حالا اگر نماینده محترم خیلی اصرار دارند بنده با مفهوم پیشنهادشان موافقت میکنم ولی اجازه بفرمایند که عبارت قدری اصلاح شود ممکن است اینطور اصلاح شود: هر گاه اختلافی راجع با اسناد سبج احوال از اول فروردین ۱۳۰۷ به بعد ایجاد شود
رئیس - ماده نه با اصلاحاتی که شده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۹ - هر گاه اختلافی راجع با اسناد سبج احوال صادره از اول فروردین ۱۳۰۷ به بعد ایجاد بشود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صلح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره اسناد مذکوره بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مذکوره میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در این صورت مأمور سبج احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر مینمایند.

تبصره ۱ - احکام محاکم فوق قطعی (غیر قابل استیناف و تمیز) است.

تبصره ۲ - اعتراضاتی که نسبت بسن باشد باید در ظرف مدت دو ماه پس از صدور ورقه هویت محاکم صالحه اظهار شود پس از انقضاء مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد و تا موقع صدور حکم محکمه یا انقضاء مدت معینه اعتبار ورقه صادره قطعی نخواهد بود.

تبصره ۳ - در محاکم صالحیه برای رسیدگی با اسناد سبج احوال نماینده سبج احوال اقامه دعوا و مدافعه خواهد کرد و اداره سبج احوال از تأدیه مخارج عدلیه معاف خواهد بود.
تبصره ۴ - دعاوی فوق راجع باوراق سبج احوال از دعاوی حقوقی محسوب است ولی مشمول قانون حکمیت نیست.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده میخواستم پیشنهاد ختم جلسه بکنم و جلسه آئینه موکول شود برای روز شنبه چهار قبل از ظهر چون حالا غالب آقایان خسته شده اند و وقت هم گذشته بهتر این است جلسه ختم شود. عده هم برای رأی کافی نیست
رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - اگر بخواهید روز شنبه جلسه تشکیل شود باید قبلاً جلسه خصوصی تشکیل شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)